

نمایش در تدریس تاریخ ادبیات

می‌شود که درس‌ها عینی‌تر و پایدارتر در بایگانی حافظه‌ی فراگیرندگان باقی بمانند. در عین حال، اعتماد به نفس آنان در جمع و گروه خود نیز بالاتر خواهد رفت.

«نمایش‌نامه یا سناریو متنی است که نمایش از روی آن اجرا می‌شود. هر نمایش‌نامه دو بخش دارد: (۱) محتوا، (۲) فن. در بخش محتوا، ایده یا فکر اصلی کار اول نمایش‌نامه‌نویس است و پس از آن، گسترش طرح اصلی است. در گسترش طرح اصلی، ایجاد حوادث فرعی، ارائه‌ی اطلاعات لازم به تماشاگر، صداهای لازم، صحنه‌سازی‌ها، وسایل و ابزار لازم، به کارگیری شخصیت‌ها، گفت‌وگو و نوع بیان، مؤثر است. حرکت نمایشی مربوط به نویسنده است و شامل توضیحات نویسنده در متن است. حرکت تکنیکی مربوط به کارگردان است که شامل بازی‌گران است. به هر قسمت از نمایش‌نامه «پرده» گفته می‌شود. هر نمایش‌نامه ممکن است از چند پرده تشکیل شود.» (ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۹۵)

در اجرای هر نمایش، نکات زیر قابل توجه است: «بعد از تمرینات بدن و صدا، «دور خوانی» است. دور خوانی، یعنی این که همگی دور هم بنشینند و از روی متن، نمایش‌نامه را بخوانند (هر کسی باید گفت‌وگوهای نقشی را که بر عهده دارد، بخواند). این کار به خاطر جنبه‌های زیر مهم است: اول این که گفت‌وگوها (دیالوگ‌ها) را حفظ می‌کنید. دوم این که در طول کار با راهنمایی‌های کارگردان، گفت‌وگوها را با لحنی که مناسب است، بیان می‌کنید؛ یعنی، مثلاً اگر در جایی یکی از شخصیت‌های نمایش عصبانی است، باید لحن شما حالت عصبانیت داشته باشد، یا اگر وحشت‌زده است، حالت ترس پیدا کنید. مرحله‌ی آخر، که تقریباً همه‌ی گفت‌وگوها را حفظ کردید، نوبت آن می‌رسد که نمایش را ایستاده و همراه با حرکت، تمرین کنید. در این حالت، کارگردان نحوه‌ی قرار گرفتن در صحنه و حرکات را برای بازی‌گران تعیین می‌کند؛ در اصطلاح به این کار «میزانسن» می‌گویند.» (شماسی، ۱۳۶۹: ۹۸)

«آن‌چه در ادبیات نمایشی، بسیار مهم است، تعیین «سوژه» و هدف و سپس طراحی می‌باشد. هر نمایش‌نامه سه رکن اصلی دارد: درگیری، قهرمان، و ضدقهرمان.» (مخملباف، ۱۳۶۰: ۱۱۵-۱۱۹)

مقدمه‌چینی، درگیری و ستیزه، وجود نیروی کشمکش و تضاد، گره افکنی، گره‌گشایی، نقطه‌ی اوج، دلهره، رسیدن به نتیجه‌ی حوادث و ماجراها، و تجزیه و تحلیل شخصیت‌ها مراحل ضروری نمایش‌نامه هستند.

چکیده

آن‌چه این مقاله قصد دارد به آن بپردازد، ارائه‌ی روش و نگرشی نو در خصوص دروس ادبیات، به‌ویژه تاریخ ادبیات در عصر انوری و شاعران این دوره، همانند جمال‌الدین و دیگران با رویکردی به سبک‌های خراسانی و عراقی به‌گونه‌ی تطبیقی با شیوه‌ی نمایشی است. البته شیوه‌های دیگری هم وجود دارد که برخی از آن‌ها چنین‌اند:

- ۱- بهره‌گیری از کتب مرجع و دایره‌المعارف‌ها، فرهنگ‌نامه‌ها، اطلس‌ها و...؛
 - ۲- بهره‌گیری از پوسترها و تصاویر مربوط به بزرگان ادبی؛
 - ۳- بهره‌گیری از آرشیو مجلات، مطبوعات، روزنامه‌ها، نشریات و...؛
 - ۴- بررسی زندگی‌نامه‌ها و تهیه و ارائه‌ی آن‌ها در کلاس، توسط فراگیرندگان و معلمان؛
 - ۵- تهیه‌ی آلبوم عکس شخصیت‌ها و جست‌وجو در سایت‌های اینترنتی در همین زمینه؛
 - ۶- استفاده از نوار کاست حاوی اشعار یا صدای خود شاعر، همراه با موسیقی متن یا آواز یا شعر شاعر مورد نظر؛
 - ۷- نمایش فیلم‌های ویدیویی از آثار و اشعار شاعران و نویسندگان؛
 - ۸- بازدید از آرام‌گاه شعرا و نویسندگان؛
 - ۹- برگزاری نمایشگاه عکس و پوستر و نمونه‌های آثار بزرگان ادبی و تاریخی به وسیله‌ی ماکت.
- با این روش‌ها می‌توانیم از دلهره‌های دانش‌آموزان درباره‌ی انبوه درس‌های حفظی، فزّار بودن مطالب، ملال‌آور بودن مباحث و منفعل بودن دانش‌آموزان در امر یادگیری و یاددهی، بکاهیم و از روش‌های معمول، هم‌چون سخن‌رانی، کنفرانس و صرفاً پرسش و پاسخ رها شویم و آزادی اندیشه را با به پرواز درآوردن واژگان در رستاخیز آن‌ها در محیطی ذوق‌انگیز و شوق‌آور، احساس و تجربه کنیم.

کلید واژه‌ها:

تاریخ ادبیات، تدریس نمایشی، نوآوری، سبک خراسانی و عراقی.

مقدمه

با توجه به اصول درست نمایش‌نامه‌نویسی، لازم است که دانش‌آموزان و معلمان از متن درس، نمایش‌نامه‌ای بنویسند و آن را در کلاس اجرا کنند تا شرکت آنان در کلاس و نقشی که در اداره‌ی آن دارند، به‌منظور ایجاد تحرک و تنوع و رغبت در یادگیری و رقابت سالم، دیده شود و احساس هنری و التذاذ ادبی با اهداف درس همراه گردد.

این شیوه به تقویت مهارت‌های چهارگانه‌ی زبان (شنیدن، خواندن، سخن گفتن و نوشتن) کمک می‌کند و باعث

مراحل اجرای نمایش:

۱. اجرای درست با هدف‌های معین
۲. ترتیب بازی گران (آدم‌های نمایش)
۳. تعیین نقش هر بازی‌گر
۴. تهیه‌ی متن نمایش از صفحات مورد نظر
۵. مطالعه‌ی متن نمایش به‌وسیله‌ی اعضا
۶. آماده‌سازی
۷. اجرا
۸. تبادل و تضارب تجربه‌ها و نظرها در مورد نتیجه‌ی کار.

مراحل اجرای تدریس:

۱. حضور بازی‌گران و نظارت معلم بر حسن اجرای نمایش
۲. اجرای نمایش به وسیله‌ی اعضا با طرح مناسب، شامل نکات کلیدی و اصلی درس
۳. بیان موارد لازم و مرتبط با درس به عنوان مباحث پایانی درس
۴. بررسی پرسش‌ها و خودآزمایی‌های درس و یافتن پاسخ‌ها با مشارکت دانش‌آموزان
۵. طرح پرسش‌های نمونه از سوی دانش‌آموزان و یافتن پاسخ‌ها

طرح درس بر پایه‌ی تدریس نمایشی:

عنوان درس: جمال‌الدین عبدالرزاق، مکتب‌دار شعر اصفهان، بخش هفتم، درس دوازدهم از کتاب تاریخ ادبیات ایران و جهان (۱) زمان: ۷۵ دقیقه

اهداف کلی:

- آشنایی با جمال‌الدین و ترکیب‌بند مشهورش
- آشنایی با کمال‌الدین و دلیل اهمیت او در ادبیات فارسی
- آشنایی با سبک‌های خراسانی و عراقی به‌گونه‌ی تطبیقی
- آشنایی با نام شاعران عصر انوری.

اهداف رفتاری:

- دانش‌آموزان باید پس از پایان نمایش و شنیدن توضیحات معلم بتوانند:
- درباره‌ی هر یک از اهداف بالا سخن بگویند؛
- درباره‌ی هر یک از اهداف بالا یک بند بنویسند؛
- به خودآزمایی‌های درس پاسخ دهند؛
- حس نوآوری و لذت‌جویی در آنان برانگیخته شود.

شروع کلاس:

معلم پس از ورود به کلاس و سلام و احوال‌پرسی، این بیت را بر تخته‌ی کلاس می‌نویسد:

«ای از بر سدره شاه‌راهت
وی قبه‌ی عرش تکیه‌گاهت»

سپس این بیت را با همراهی دانش‌آموزان، می‌خواند و از آن‌ها می‌پرسد: آیا می‌دانید این بیت از کیست؟ سپس به پاسخ‌ها گوش می‌دهد و در نهایت، می‌گوید: این بیت از جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی است و درس امروز ما درباره‌ی اوست. باید با این شاعر و شرایط اجتماعی دوره‌ی او، ویژگی‌های اشعارش و معاصران او در این جلسه آشنا شویم.

(۱۵ دقیقه)



با این روش‌ها
می‌توانیم از
دلهره‌های
دانش‌آموزان
درباره‌ی انبوه
درس‌های
حفظی، فزّار
بودن مطالب،
ملال آور بودن
مباحث و
منفعل بودن
دانش‌آموزان در
امر یادگیری و
یاددهی، بکاهیم
و از روش‌های
معمول، هم‌چون
سخن‌رانی،
کنفرانس و
صرفاً پرسش
و پاسخ‌رها
شویم و آزادی
اندیشه را با به
پرواز در آوردن
واژگان در
رستاخیز آن‌ها
در محیطی
ذوق‌انگیز و
شوق‌آور،
احساس و
تجربه‌کنیم

۶. نوشتن یک مقاله‌ی تحقیقی درباره‌ی موضوعی تاریخی و ادبی
۷. سنجش و اندازه‌گیری آموخته‌ها و کارهای کلاسی
فراگیرندگان
۸. تعیین روش نمایشی یا روش‌های دیگر برای درس هفته‌ی
بعد و تعیین وظایف دانش‌آموزان.
(۶۰ دقیقه)

متن نمایش عصر انوری:

پرده‌ی اول

[پرده بالا می‌رود]

در صحنه‌ی نمایش، فقط راوی حاضر است.

- صبا: سلجوقیان در سده‌ی ششم هجری حکومت
می‌کردند. غزان به خراسان تاختند و سنجر را در سال ۵۴۸
ه.ق. شکست دادند و بدین ترتیب، بساط این سلسله برچیده
شد. سلاجقه شاعران و ادیبان را حمایت نمی‌کردند؛ زیرا با
فرهنگ و زبان ایران بیگانه بودند. دیگر نه نشانی از ستایش‌ها،
بزم‌ها، شادخواری‌ها و شادکامی‌های عصر محمودی و
گردهمایی‌های ادب دوستان بود، و نه از فخر و صله و ترغیب
در عرصه‌ی شعر و ادب، اثر و خبری.

عادت شعری بر ذوق راستین، نزد هنرمندان و سرایندگان
بیشی یافت. مدح و وصف و غزل، مضمون‌های عمده‌ی شعر
دوره‌ی انوری است.
شعر سده‌ی ششم (عصر انوری) به مناطق شمال شرقی،
مرکز، و شمال غرب ایران تعلق بیش‌تری دارد اما پیش از
این دوره، شعر عمدتاً با ماوراءالنهر و خراسان پیوند بیش‌تری
داشت و سبک خراسانی به سبک عراقی تغییر یافت که در
بستر این انتقال ادبی، شعری چون انوری، مسعود سعد،
خاقانی، و جمال‌الدین به عنوان چهره‌هایی برجسته و نامی
به ظهور رسیدند.

پرده‌ی دوم

حماسه بر همه‌جا سایه افکنده است. همه‌جا سخن از استاد
توس است. استاد سمرقند - پدر شعر فارسی - یک عمر
«زفان» به حکمت لقمانی گشود و گفت و خفت؛ هر چه
چراغ تابان (دندان) داشت فرو ریخت و فلسفه‌ی استاد توس
در سرنوشت او نقش بست:

«اگر مرگ کس را نیوباردی ز پیر و جوان خاک بسپاردی»
سبک خراسانی در غزنین بر مرکب حماسه، سوار است؛
ناگهان سبک عراقی، [شتابان] از آن سوی مرز به دیار رزم
می‌آید و مرکب حماسه را پس از کشاکش و کشمکش
طولانی، به چنگ می‌آورد و بر آن می‌نشیند و به سوی دیار
جمال‌الدین - اصفهان - می‌شتابد.

[پرده بالا می‌رود]

- خراسانی: [با حزن و اندوه] چرا اسب مرا ستاندی؟
- عراقی: چون دیگر میدان مدرسه‌ها و معارف، باز است و
راه کارزار و ستیزه بسته.

- خراسانی: [با عجز و التماس] با پای پیاده چه کنم؟
- عراقی: اگر می‌خواهی سواره باشی، باید زبان عربی، قرآن،
حدیث، علوم و فنون گوناگونی فراگیری و مرکب کهن را
عوض کنی؛ خلاصه، باید «رمانتیک» شوی و عقلت را به
عشق، تبدیل کنی!

- خراسانی: پس قالب «مثنوی» حماسی چه می‌شود؟
- عراقی: به «غزل» تبدیل می‌شود.

- خراسانی: در چه درون‌مایه و موضوعی؟
- عراقی: عشق و عرفان، مجاز و استعاره و...
- خراسانی: [ناباورانه] حماسه را کلاً تعطیل کنم؟
- عراقی: نه، «تبدیل» کن!

- خراسانی: یعنی چی؟
- عراقی: تبدیل حماسه‌ی ملی و اسطوره‌ای به حماسه‌ی
تاریخی و نیمه‌تاریخی.

- خراسانی: مثل چی؟
- عراقی: اسکندرنامه و آیینیه اسکندری.

- خراسانی: سبک تو چه فرق عمده‌ای با سبک من داره؟
- عراقی: ۱- آمدن واژه‌های زیادی از لهجه‌های محلی و
زبان عربی به فارسی دری؛ ۲- گسترش فرهنگ اسلامی؛
۳- رواج تصوف و عرفان اسلامی؛ ۴- بدبینی شاعران در اثر
نا به‌سامانی‌های اجتماعی؛ ۵- دشواری شعر به علت وجود
آرایه‌های کلامی، علوم و فنون و...؛ ۶- فراگیر شدن زبان
فارسی در ایران و شبه‌قاره‌ی هند.

- خراسانی: بسیار خوب. چند شاعر سبک خودت را نام ببر!
- عراقی: سنایی، نظامی گنجه‌ای خاقانی، مجیر بیلقانی،
انوری، مسعود سعد، جمال‌الدین و پسرش کمال‌الدین... .

- خراسانی: [با غرور و سربلندی] اما توی سبک من،
شاعرانی مثل رودکی و دقیقی و فردوسی و... در «وصف و
مدح» توانایی‌های زیادی دارند. توی سبک تو چه طور؟

- عراقی: توی سبک من هم هستند.

- خراسانی: مثل کی و کدام شعر؟

- عراقی: جمال‌الدین و ترکیب بند معروفش.

پرده‌ی سوم

جمال‌الدین در صحنه حاضر است. او در حالی که با صدای
بلند و حرکات دست شعر می‌خواند، قدرت شاعری خود را با
بیان اشعارش نشان می‌دهد.

[پرده بالا می‌رود]

- جمال‌الدین: خیال کردید که فقط شاعران شما می‌توانند
توصیف کنند و شعر فاخر بگویند، آقای خراسانی؟

- خراسانی: شنیده‌ام که تو شاعر معروفی هستی و ترکیب‌بندی هم داری. می‌شود بگویی چیه و در توصیف کیه؟

- جمال‌الدین: بله، با این مطلع، در ستایش پیامبر اکرم: «ای از بر سدره شاه‌راहत و ای قبه‌ی عرش تکیه‌گاهت»
- خراسانی: ابا تعجب و تحیر! چه زیبا! بگو ببینم این شعر تو چه ویژگی‌هایی دارد؟

- جمال‌الدین: زبانی استوار و سنجیده با مضمونی ذوقی و عاطفی در چهار بند.

- خراسانی: تو در سرودن شعر پیرو کی هستی؟

- جمال‌الدین: پیرو سنایی در پند و اخلاق و حکمت.

- خراسانی: می‌گویند تو شعری هم خطاب به دوستت «خاقانی» سروده‌ای؛ مطلعش چیه؟

- جمال‌الدین: «کیست که پیغام من به شهر شروان برد/ یک خبر از من بدان مرد سخن‌دان برد؟»

- خراسانی: توی سبک ما دقیقی و فردوسی، احیاگر حماسه‌ی ملی و خداوندگار حماسه و خردند.

- عراقی: در عصر انصوری، جمال‌الدین و کمال‌الدین، مکتب‌دار شعر و خلاق‌المعانی‌اند.

- خراسانی: ابا طنز و تحقیر و ابهام! کمال‌الدین دیگه کیه؟
- عراقی: لقبش «خلاق‌المعانی» است.

- خراسانی: یعنی چی؟

- جمال‌الدین: ابا مباحثات و فخر تمام! پسر من بیا تو جوابش را بده!

- خراسانی: [شگفت‌زده] چه جالب! کم‌تر پدر و پسری، هر دو، شاعر، هم نام و آوازه پیدا می‌شوند!

پرده‌ی چهارم

کمال‌الدین، اشاعرانه و ماهرانه [به صحنه می‌آید].
[پرده بالا می‌رود]

- کمال‌الدین: کسی که مهارت آفرینش معانی تازه داشته باشد، به خلاق‌المعانی معروف می‌شود!

- خراسانی: استاد! تو هم مثل پدرت، شعر مشهوری داری؟
- کمال‌الدین: بله جانم؛ این رباعی:

«کس نیست که تا بر وطن خود گرید
بر حال تباه مردم بد گرید»

«دی بر سر مرده‌ای دو صد شیون بود
امروز یکی نیست که بر صد گرید»

و نیز، قصیده‌ی «برف» با این مطلع:
«هرگز کسی نداد بدین سان نشان برف

گویی که لقمه‌ای است زمین در دهان برف»

- خراسانی: موضوع رباعی تو چیست؟
- کمال‌الدین: واقعه‌ی قتل عام مغولان در سال ۶۶۳ هجری در اصفهان.

- خراسانی: تو و پدرت در ستایش پادشاهان هم شعر سروده‌اید؟

- کمال‌الدین: بله، ستایش بزرگان اصفهان، به‌ویژه آل صاعد، اتابک سعد زنگی حاکم فارس، جلال‌الدین منکبرنی و...

- خراسانی: چه خاطره‌ی تلخی از تاریخ داری؟

- کمال‌الدین: ابا ناکامی و تلخ‌کامی [حمله و کشتار بنیان برانداز قوم تاتار و مغول در سال ۶۳۳].

- خراسانی: اگر قرار باشد ویژگی «سبک عراقی» را در شعر پدرت بررسی کنی، ترجیح می‌دهی کدام شعرش را انتخاب کنی؟ با چه ترکیباتی؟

- کمال‌الدین: بند آغازین این ترکیب‌بند را:
«ای از بر سدره شاه‌راहत

و ای قبه‌ی عرش تکیه‌گاهت
ای طاق نهم رواق بالا

بشکسته ز گوشه‌ی کلاهد
هم عقل دویده در رکابت

هم شرع خزیده در پناهت
مه طاسک گردن سمندت

شب طره‌ی پرچم سیاهت
جبریل مقیم آستانت

افلاک حریم بارگاهت
چرخ ار چه رفیع، خاک پایت

عقل ار چه بزرگ، طفل راهت
خورده‌ست خدا ز روی تعظیم

سوگند به روی هم‌چو ماهت
ایزد که رقیب جان خرد کرد

نام تو ردیف نام خود کرد»
بازی گران: صبا، خراسانی، عراقی، جمال‌الدین، کمال‌الدین

منابع و مآخذ

۱. انوشه، حسن؛ فرهنگ‌نامه‌ی ادبی فارسی، دانش‌نامه‌ی ادب فارسی، ج ۲، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۶.
۲. ذوالفقاری، حسن؛ کتاب کار نگارش و انشا، ج ۳، چ اول، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۷.
۳. شماسی، عبدالحی؛ مجموعه‌ی پنج نمایش‌نامه «اطوی شکسته»، چ اول، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹.
۴. مخملباف، محسن؛ یادداشت‌هایی درباره‌ی قصه‌نویسی و نمایش‌نامه‌نویسی، چ اول، تهران، انتشارات حوزه‌ی اندیشه و هنر اسلامی، ۱۳۶۰.
۵. یاحقی، محمدجعفر و فرزاد، عبدالحسین؛ تاریخ ادبیات ایران و جهان (۱)، تهران، انتشارات شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۷۹.

مقدمه‌چینی،
درگیری
و ستیزه،
وجود نیروی
کشمکش
و تضاد،
گره‌افکنی،
گره‌کشایی،
نقطه‌ی اوج،
دلهره، رسیدن
به نتیجه‌ی
حوادث و
ماجراها، و
تجزیه و تحلیل
شخصیت‌ها
مراحل ضروری
نمایش‌نامه
هستند